

الزامات تخصیص عادلانه منابع در نظام بانکی در چارچوب اقتصاد مقاومتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۹

۶۱

سیدعباس موسویان* محمد طالبی** حامد عباسی***

چکیده

از ارکان مهم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، عدالت محور بودن آنهاست. تخصیص بهینه منابع بانکی باعث می‌شود افراد بتوانند در اقتصاد نقش ایفاء کنند. پژوهش پیش رو، سعی دارد عوامل مؤثر و دارای اولویت که بر تخصیص عادلانه منابع بانکی تأثیر بسزایی دارد را احصاء نماید و راهکارهای اجرایی ارائه دهد. در این تحقیق ابتدا با روش مطالعه کتابخانه‌ای، اصول و الزامات کلان تخصیص عادلانه منابع بر اساس سیاست‌های اقتصاد مقاومتی استخراج و سیاست‌ها و الزامات اجرای عدالت با مطالعه تطبیقی سایر کشورها، احصاء گردید. پس از استخراج این الزامات، وضع موجود هر یک از شاخص‌ها و راهکارهای آن به روی نخبگان گذاشته شد و بر اساس آزمون دوجمله‌ای و آزمون فریدمن این نتایج اولویت‌بندی شد. سپس با استفاده از روش فرا تحلیل، مهم‌ترین راهکارهای تخصیص عادلانه منابع به ترتیب اولویت، شناسایی شدند که عبارت‌اند از: ۱. تقویت نظارت فنی و بهبود استقلال بانک مرکزی، ۲. بهبود و گسترش فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و گسترش فین‌تک‌ها، ۳. کاهش تصدی‌گری نهادهای دولتی، ۴. حمایت از بانک‌هایی که به توسعه صندوق خطرپذیر کمک می‌کنند. ۵. توسعه وثیقه‌های مورد قبول بانک و قبول سندهای مبتنی بر اعتماد. در صورتی که این اولویت‌ها اجرایی شود، تخصیص منابع در بانک‌ها عادلانه می‌شود.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، بانکداری اسلامی، تخصیص عادلانه منابع، بانکداری اخلاقی.

طبقه‌بندی JEL: E50, E51, E59

Email: samosavian@yahoo.com@yahoo.com.

*. استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Email: mohammad63.mt@gmail.com.

**. استادیار دانشکده دانشگاه امام صادق (ع).

***. دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و معاون دانشگاه آزاد واحد

Email: hmd.abbasi@gmail.com.

الکترونیک (نویسنده مسئول).

مقدمه

یکی از ارکان مهم و اساسی در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی عدالت بنیان و مردم‌نهاد بودن است. نظام بانکی یکی از بخش‌های مهم اقتصاد است که می‌تواند این مهم را تحقق بخشد و در صورت عدم توجه و برنامه‌ریزی باعث انحراف از هدف شود.

یکی از محورهای اساسی اقتصاد مقاومتی عدالت بنیان بودن این سیاست‌هاست. اگر مفهوم عدالت را مطابق تعالیم اسلامی «قرار دادن هر چیزی در جایگاه شایسته آن»* و «اعطای حق به صاحب حق»** تعریف کنیم و نمود عینی آن را در عرصه نظام اقتصادی رفع فقر و ایجاد توازن اقتصادی بدانیم، یکی از محورهایی که جایگاه ویژه و مؤثری در تحقق عدالت دارد، تخصیص عادلانه منابع بانکی است.

نظام بانکی یکی از زیر نظام‌های مهم اقتصادی است که می‌تواند در تحقق این بند، نقش مهمی ایفا نماید. عدم دسترسی به منابع مالی به عنوان یک عامل اساسی، محسوب می‌شود که فقیران نتوانند خود را از فقر نجات دهند و فقیر باقی بمانند. نظام بانکی متداول (Conventional Bank) به دلیل مشکلاتی همچون عدم اعتماد و اعتبار، عدم توانایی تشخیص و مشکلات اخلاقی اعطای وام به اقشار کم‌درآمد را کاری با ریسک بالا می‌داند و حاضر نیست منابع خود را به آنان اختصاص دهد؛ لذا تغییر در ساختار نظام بانکی ضرورتی انکارناپذیر است (Burgess and Pande, 2004).

ریچاردز (Richards) بیان می‌کند که نود درصد فقیران خود اشتغال در سطح جهان - بیش از یک میلیارد نفر - به منابع و خدمات مالی اولیه دسترسی ندارند. با توزیع مجدد پول، از کسانی که آن را سرمایه‌گذاری می‌نمایند، بانک می‌تواند تغییر شگرفی در زندگی این مردم ایجاد نماید (Richards, 2006). حسن و عالمگیر (Hassan and Alamgir) معتقدند که ریشه‌های فقر را می‌بایست به صورت نظام‌مند در سیستم و روابط اقتصادی جستجو نمود و تنها راه‌حل مشکل فقر در جامعه آن است که به اصلاح روابط و نظام‌ها پردازیم. ایشان توضیح می‌دهند کسب اعتبار و تسهیلات نقش بسیار مهمی در این زمینه ایفا

*. برگرفته از کلام امیرالمؤمنین علیه السلام «العدل یضع الأمور مواضعها» (نهج البلاغه، ح ۴۳۷).

** اعطاء كل ذي حق حقه (نهج البلاغه، ح ۲۳۵).

می‌نماید و به آنها کمک می‌کند تا خویش را از وابستگی نسبت به صاحبان سرمایه نجات دهند و از صناعی که خود صاحب آن هستند درآمد کسب نمایند (Hassan and Alamgir, 2002).

بنابراین برای تحقق اقتصاد عدالت‌بنیان و مردم‌نهاد که یکی از اصول اساسی اقتصاد مقاومتی است، نیاز به تجدید نظر و اصلاح ساختار نظام تخصیص منابع در نظام بانکی داریم که این مقاله درصدد آن است که الزامات تحقق این امر مهم را ابتدا شناسایی و سپس راهکارهای دارای اولویت را به مجریان و متولیان ارائه نماید.

در راستای جواب به این سؤال مهم، ابتدا اصول و الزامات توزیع عادلانه منابع در نظام بانکی با توجه به اصول اقتصاد اسلامی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی استنباط شد و در مرحله بعد، در حد اطلاعات قابل حصول، وضع موجود آسیب‌شناسی شد و با مرور ادبیات از طریق روش کتابخانه‌ای و مطالعه تطبیقی، راهکار تحقق این تخصیص عادلانه منابع مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه بحث با اتخاذ نظر خبرگان از طریق پرسشنامه، نود درصد عوامل به تأیید آنها رسید و نسبت به اولویت‌بندی این موارد اقدام شد.

روش تحقیق

با روش مطالعات کتابخانه‌ای، بر اساس منابع قرآن و سنت، اصول و الزامات کلان و اساسی تخصیص عادلانه منابع بر اساس سیاست‌های اقتصاد مقاومتی استخراج شد. الزامات اجرای عدالت در ادبیات بانکی با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مطالعه تطبیقی سایر کشورها احصاء گردید و با استفاده از روش تحلیل محتوا* دسته‌بندی شد. در ادامه با استفاده از نتایج حاصل از روی‌نخبگان و آزمون دوجمله‌ای، عوامل مهم و مؤثر بر عدالت اقتصادی احصاء و در گام بعدی با توجه به آزمون فریدمن** این نتایج اولویت‌بندی شدند و در نهایت با استفاده از روش فرا تحلیل***، مهم‌ترین راهکارها برای تخصیص عادلانه

*. شیوه تحقیقی است که برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام‌های ارتباطی به کار می‌رود.

** آزمون فریدمن یک آزمون ناپارامتری است که برای مقایسه سه یا بیش از سه گروه وابسته که حداقل در سطح رتبه‌ای اندازه‌گیری می‌شوند، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

*** این روش، به مطالعه و بررسی نظام‌مند پژوهش‌های گذشته می‌پردازد. در این روش پژوهش‌هایی که

منابع به ترتیب اولویت، شناسایی شدند. در این تحقیق با استفاده از روش فرا تحلیل، تحقیقات مختلف راجع به عدالت و توزیع ثروت در بانکداری مطالعه شدند و با استفاده از نتایج حاصل از آن تحقیق‌ها، عوامل توزیع عادلانه منابع شناسایی شدند.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

عدالت اقتصادی از دیرباز مورد توجه محققان و سیاست‌گذاران است و این مسئله از سال‌ها پیش از میلاد مسیح، توسط اندیشمندانی مانند افلاطون و ارسطو مطرح بوده و در طول تاریخ، نظریه‌های متنوعی در این باره ارائه شده و هم‌اکنون طیف گسترده‌ای از نظریه‌های عدالت توزیعی وجود دارد. مشهورترین نظریه عدالت که در نیم قرن اخیر، مبنای عمل بسیاری از نظام‌های سیاسی و اقتصادی رایج غرب قرار گرفته، نظریه رالز است. متفکرین اسلامی نیز به فراخور نظریاتی راجع به عدالت مطرح کرده‌اند.

مطهری^۱ چهار معنا برای عدل بیان نموده است: «موزون بودن، تساوی و نفی هرگونه تبعیض، رعایت حقوق افراد و عطاء کردن به هر ذی‌حقی، حق وی را و رعایت استحقاق در افاضه وجود (مطهری، ۱۳۶۸ الف). ایشان در کتابی دیگر معنای «توازن» را عدم وجود شکاف طبقاتی تفسیر کرده و راه‌حل‌ها و اقداماتی را برای رفع این امر پیشنهاد نموده است» (مطهری، ۱۳۶۸ ب).

میرمعزی (۱۳۹۳) عدالت اقتصادی به عنوان یک هدف را، حالتی وصف می‌کند که در آن، همه مردم به حق خود از ثروت‌ها و درآمدهای جامعه دست‌یافته‌اند. ایشان اصول عدالت توزیعی را معرفی و راهکارهای لازم برای اجرای عدالت را بیان کردند.*

حسن‌زاده و همکاران (۱۳۸۵) در مقاله «بررسی آثار اعتبارات خرد در کاهش فقر و نابرابری درآمدی»، به بیان رابطه میان تأمین مالی خرد و کاهش فقر و نابرابری پرداخته و تأثیر اعتبارات خرد اعطایی بانک‌ها بر رفع فقر را محاسبه کرده و بیان می‌کنند، در صورتی که

همه درباره یک عنوان خاص به عمل آمده‌اند مجدداً مورد مطالعه و با یکدیگر مقایسه می‌شوند. در واقع می‌توان با استفاده از فنون آماری خاص، نتایج همه آن پژوهش‌ها را با یکدیگر تلفیق و ترکیب نموده و به یک نتیجه واحد رسید (دلور، ۱۳۸۹).

*. برای مطالعه بیشتر رک به: (میرمعزی، ۱۳۹۳، ص ۲۷۵-۳۱۰).

گروه درآمدی هدف شناسایی شود و تسهیلات برای اشتغال مصرف گردد می تواند به رفع فقر و توانمندسازی فقرا کمک نماید.

طیبه و همکاران (۱۳۸۷) در مقاله «عوامل تعیین کننده نابرابری اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی با تأکید بر نقش اقتصاد اسلامی» در پی ارزیابی رابطه بین رشد اقتصادی، شاخص هایی در بانکداری اسلامی و نابرابری در اقتصاد کشورهای منتخب اسلامی هستند. نتیجه های به دست آمده از این تحقیق از اثرگذاری نظام بانکداری غیر ربوی در کاهش فقر و سطح نابرابری اقتصادی حکایت دارد.

میبدی (۱۳۸۷) در مقاله «رابطه عقود اسلامی در نظام بانکی با کاهش فقر» به بررسی عقود اسلامی در نظام بانکی و یافتن رابطه آنها با کاهش فقر در جامعه می پردازد و نشان می دهد که قرض الحسنه و عقود مشارکتی می توانند به کاهش فقر در جامعه کمک کنند و عقود مبادله ای گرچه کاربرد ساده تری نسبت به عقود ذکر شده دارند، اما به علت بازدهی ثابت و از پیش تعیین شده، در عمل نظام بانکی را ربوی می کنند؛ بنابراین نمی توانند کمکی برای رسیدن به هدف اجتماعی و اقتصادی اسلام کنند.

موسویان (۱۳۹۰) در مقاله «جایگاه عدالت اقتصادی در بانکداری اسلامی» با روشی تحلیلی- توصیفی در پی تطبیق معیار عدالت در بانکداری اسلامی است که سه اصل احراز ارزش افزوده، توزیع متوازن منابع بانکی و پدید ساختن اشتغال را به عنوان معیارهای توزیع عادلانه منابع بانکی و تعیین نرخ سود و حق الوکاله بانکی در جریان عرضه و تقاضای بازار را به عنوان اصلی دیگر مطرح می کند.

هاشمی (۱۳۹۲) در پایان نامه «ارزیابی تحقق عدالت اقتصادی در الگوهای بانکداری اسلامی با تأکید بر الگوی تفکیک و الگوی بانکداری تجاری» در پی پاسخ به این پرسش است که عدالت اقتصادی در کدام یک از الگوهای بانکداری اسلامی بیشتر محقق می شود؟ بر اساس نتایج این تحقیق، الگوی تفکیک به علت توان نظارت بر پروژه ها و اطمینان از توجیه اقتصادی طرح، سود واقعی پرداخت کرده و باعث اشتغال زایی و کاهش تورم می شود؛ همچنین با پرداخت تسهیلات قرض الحسنه از راه تخصیص مانده حساب های جاری به نیازمندان و مناطق محروم باعث رفع فقر و تحقق عدالت اقتصادی می شود.

عیوض‌لو و کریمی‌ریزی (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «شناسایی و اندازه‌گیری شاخص عدالت و کارایی در نظام بانکی؛ مورد مطالعه: بانک توسعه صادرات ایران، استان اصفهان» کارایی را یکی از شروط لازم برای تحقق عدالت اقتصادی عنوان کردند و به منظور تحقق عدالت، توجه به قابلیت و مزیت‌های رقابتی را یکی از عوامل مهم برای تحقق این امر بیان نمودند و در ادامه مقاله خود بر این اساس، صنایع استان اصفهان را اولویت‌بندی نمودند و پیشنهاد داند منابع بانک توسعه صادرات بر اساس اولویت‌های ذکر شده به صنایع تخصیص داده شود.

سبجانی و امیرعلی (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «پژوهشی در استخراج معیارهای حق و عدل در بانکداری بدون ربا» با توجه به مفاهیم اسلامی، معیارهایی مانند کارایی اقتصادی، برابری در دسترسی به تسهیلات بانکی و اولویت اعطای سپرده‌های قرض‌الحسنه در جهت تسهیلات قرض‌الحسنه به عنوان معیارهای توزیع عادلانه منابع بانکی استخراج و معیارهای حفظ ارزش پول ملی، شفافیت اطلاعات و نظارت، به عنوان اصول عدالت صیانتی و معیار توازن عناصر نظام بانکی، به عنوان عدالت در جایگاه توازن بین عناصر یک مجموعه عنوان شده است. عملکرد و کارکرد نظام بانکی درباره پیگیری تأمین این هدف مورد بررسی قرار گرفته است.

قلیچ (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان «شناسایی چارچوب عملیاتی بانک عدالت محور با استفاده از رویکرد اسلامی» سعی نموده چارچوب عملیاتی یک بانک عدالت محور را با یک رویکرد اسلامی را استخراج نماید. او در این تحقیق بیان می‌نماید مفهوم عدالت با رعایت کامل حق و حقوق افراد گره خورده است و از این رو، سه قاعده رعایت حقوق عام، رعایت استحقاق افراد و توجه به نیاز و احتیاج اقشار ضعیف و ناتوان، جهت استخراج چارچوب عملیاتی یک بانک عدالت مدار، می‌بایست مدنظر قرار گیرد. او در ادامه سعی نموده است مصادیق موارد فوق‌الذکر را به صورت اجمالی ارائه نماید.

خان (Khan) (۱۹۹۴) باور دارد که بانک‌های اسلامی در جهت از بین بردن فقر در جامعه می‌توانند به تأمین مالی شرکت‌هایی که در پروژه‌های زیربنایی مانند ساخت جاده‌ها، تأمین آب، انرژی، سرمایه‌گذاری صنایع کوچک در مناطق روستایی فعالیت می‌کنند، بپردازند.

چپر (۱۴۰۱ق) به اهمیت اجرای عدالت در بانکداری اسلامی می‌پردازد و مبنای اصلی بانکداری اسلامی و سیاست‌های آن را بر اساس عدالت تعریف کرده و می‌گوید بی‌تردید عدالت، ثبات و رشد اقتصادی، از اهداف کلان و مهم نظام اقتصادی اسلام‌اند و زیر نظام‌های نظام اقتصادی اسلام نیز باید به‌گونه‌ای سامان یابند که اقتصاد را به سمت سه هدف پیشین سوق دهند.

۶۷ *اقبال* (Iqbal) (۲۰۰۲) عقیده دارد، توزیع اعتبار در جامعه بر اساس بهره، یکی از عوامل توزیع نابرابر درآمد و ثروت است و با استفاده از نظام مشارکت در سود و زیان نظام اقتصادی اسلام فرصت مناسبی را برای افراد فقیر ایجاد می‌کند که به منابع بانکی دست پیدا کنند؛ در غیر این صورت بانک‌ها بیشتر سراغ افرادی می‌روند که بهره‌وری بالاتری در بازار دارند.

فاروق (۲۰۰۵) باور دارد که مفهوم‌هایی مانند قرض‌الحسنه در اسلام، فرصت بزرگی برای بانک‌های اسلامی فراهم کرده است تا نقش اجتماعی خود را در جهت برقراری عدالت اجتماعی در جامعه ایفا کنند.

کاملا و رمال (Kamla & Rammal) (۲۰۱۲) با انتخاب ده بانک بدون ربا از سراسر جهان و با بررسی گزارش‌های سالانه، به بررسی نقش بانک‌های بدون ربا در توزیع عادلانه ثروت و رفع فقر می‌پردازند. نتیجه‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بانک‌های بدون ربا در عمل طرح جدی برای رفع فقر و برقراری عدالت اجتماعی ندارند.

کاملا و رمال (۲۰۱۳) به آسیب‌شناسی اجرای عدالت در بانکداری اسلامی در سرتاسر جهان پرداخته‌اند. آنان با بررسی عملکرد ده بانک اسلامی در سراسر جهان نشان می‌دهند علی‌رغم تأکید اسلام به عدالت و رفع فقر، بانک‌های اسلامی برنامه منسجم و منظمی به منظور رفع فقر و ایجاد عدالت در اجتماع ندارند.

از آنجاکه نظام اقتصادی متداول، توجه زیادی به رشد و توسعه اقتصادی دارد، مطالعات اندکی راجع به بحث عدالت و بانک صورت گرفته است و بیشتر تحقیقاتی که توسط محققین خارجی صورت گرفته، به بررسی تأثیر بانکداری بدون ربا بر اجرای عدالت و میزان رعایت ویژگی‌های عادلانه در بانکداری بدون ربا پرداخته‌اند.

به طور خلاصه تحقیقات صورت گرفته را می‌توان به چند دسته تقسیم نمود:

برخی از تحقیقات به مباحث نظری راجع به عدالت توزیعی پرداخته و به اهمیت و شاخص‌های کلان اجرای عدالت در بانکداری اشاره می‌نمایند. بخش دیگری از مقالات به تأثیر بانکداری بدون ربا بر عدالت توزیعی پرداخته‌اند که عموم این تحقیقات بر این امر تأکید داشته‌اند که علی‌رغم اینکه بانکداری بدون ربا ظرفیت مناسب‌تری نسبت به بانکداری ربوی دارد، ولی به منظور تحقق بهتر عدالت توزیعی در اقتصاد، می‌بایست فرایندهای خود را اصلاح نماید. قسمتی دیگر از مقالات چارچوب و معیارهای مهم و مناسبی در چند سال اخیر برای عدالت در نظر گرفته‌اند و این معیارها را بر اساس ویژگی‌های بانک تعریف نموده‌اند. مقالات بسیار کمی نیز به شاخص‌های عدالت در یک بانک یا شعبه خاص را بررسی نموده‌اند.

با عنایت به بررسی ادبیات موجود در این حوزه، یکی از مباحثی که کمتر به آن پرداخته شده است، راهکارهای عملیاتی برای تحقق عدالت توزیعی در بانک است. در این تحقیق سعی بر این شده است، ضمن استخراج شاخص‌های عدالت بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، کلیه راهکارهایی که در ادبیات اقتصادی برای نیل به این مهم وجود دارد، مطالعه شده است و این راهکارها بر اساس نظر نخبگان و صاحب‌نظران اقتصادی اولویت‌بندی شده است. با عنایت به ماهیت تحقیق، این مقاله به بررسی جامع الزامات تحقق عدالت در بانکداری پرداخته و با بررسی جامع، الزامات تحقق این موارد را بیان نموده است.

الزامات اساسی تخصیص عدالت‌محور و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

به منظور اینکه ارائه راهکارها بر اساس چارچوب مشخصی شکل گیرد، اصول و الزامات تخصیص که بر اساس اصول عدالت و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌بایست مدنظر قرار گیرد، بیان می‌گردد. این اصول عبارت‌اند از:

۱. اصل احراز ارزش افزوده، تقویت رقابت‌پذیری و بهبود کارایی اقتصادی

یکی از موارد مهم سیاست‌های اقتصادی، تقویت رقابت‌پذیری اقتصادی و به‌کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور است. از نگاه اسلام، پول

در جایگاه سرمایه بالقوه‌ای است که به محض ترکیب حقوقی با یکی از عوامل تولید به سرمایه بالفعل تبدیل شده و از این جهت اسلام برای آن بازدهی به نام «سود» قائل است؛ وگرنه برای سرمایه بالقوه هیچ‌گونه بازدهی قائل نیست (سبحانی و امیرعلی، ۱۳۹۴، به نقل از توتونچیان، ۱۳۷۹). رعایت حقوق سپرده‌گذاران از یک سو و منافع جامعه از سوی دیگر الزام می‌کند که پیش‌شرط هر نوع تخصیص منابع بانکی، احراز وجود سود و ارزش‌افزوده در پروژه است و اختصاص هر نوع وجوهی به طرح‌هایی که توجیه فنی و اقتصادی ندارند خلاف مقتضای قرارداد وکالت و تصرف در اموال دیگران بدون مجوز شرعی است. با عنایت به الگوهای تجارت بین‌الملل، تخصیص منابع در صورتی می‌تواند با حفظ مصلحت عمومی جامعه، دارای ارزش‌افزوده مناسب باشد که آن صنایع، دارای مزیت رقابتی مناسب باشند. بر اساس الگوی هکشن و اوهلین، کشورها، کالاهایی را صادر می‌نمایند که نهاده‌های آن به‌وفور در کشور یافت شود و نهاده‌های مرتبط با این محصولات ارزان باشند و کشورها کالاهایی را وارد می‌نمایند که در آن کمبود و کمیابی وجود دارد و قیمت آن عوامل در کشور بالا باشد. تمرکز بر روی صنایعی که کشور در آن مزیت رقابتی ندارد ممکن است بحران‌هایی را مانند بحران کره جنوبی به همراه داشته باشد.

۲. اصل توزیع متوازن منابع و فرصت‌ها و مشارکت آحاد جامعه در اقتصاد

یکی دیگر از محورهای مهم که در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به آن اشاره شده است، «توانمندسازی نیروی کار و ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها» و همچنین «سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف، متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش» است. برای تحقق این مهم، امکانات باید برای همه افراد به طور مساوی فراهم باشد تا اگر کسی همت داشته باشد و در هر کجا و هر طبقه‌ای هست، بتواند در پرتو لیاقت و استعداد به کمال لایق خود برسد. تبعیض‌ها که سرچشمه آن سنت‌ها و عادت‌ها یا زور و ظلم است باید محو شود و از نظر ملاحظه شخصی و طبقاتی همه علی‌السویه باشند (مطهری، ۱۳۶۹). بر این اساس باید فرصت برابر برای افراد برابر، در دست‌یابی به تسهیلات بانکی فراهم شود تا افراد توانمند در مرحله نخست بتوانند با ارائه طرح‌ها و برنامه‌های مالی و با توجیه اقتصادی مناسب، استعدادهای خود را بروز دهند و در مرحله دوم سهمی

متناسب با کوشش خود برداشت کنند (سبحانی و امیرعلی، ۱۳۹۴). رعایت مصالح بلندمدت جامعه، اقتضا می‌کند که منابع بانکی، از جهت مناطق، از جهت بخش‌های مختلف اقتصادی و نوع پروژه‌های کوچک، متوسط و بزرگ و بین گروه‌های مختلف اجتماعی، به صورت متوازن توزیع شود و اگر در منطقه یا بخش یا گروه‌های اجتماعی خاص، موانعی سر راه بازدهی معقول و متعارف وجود دارد، نظام اقتصادی با مطالعه جامع و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و رفع موانع و مشکلات، آنها را به سطح مطلوب برساند.

۳. اصل توانمندسازی افراد جامعه و حداکثر رساندن مشارکت آنها

یکی دیگر از اصول مهمی که در اقتصاد مقاومتی به آن اشاره شده است، «به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط» است. یکی از مواردی که در این سیاست‌ها باید به آن توجه شود، آن است که منابع بانکی منحصر به افراد خاص نگردد و در صورتی که افرادی بر اساس اصل ارزش‌افزوده و در چارچوب مزیت‌های رقابتی کشور طرحی را به بانک ارائه کردند، این امکان فراهم شود که از منابع بانکی استفاده نمایند و از لحاظ اعتبارسنجی دچار مشکل نشوند و بتوانند از این منابع استفاده نمایند و کسب‌وکار خود را گسترش دهند. همان‌گونه که از عنوان فوق نیز مشهود است، لازمه عدالت، آن است که افراد در صورت وجود استحقاق‌های برابر، دسترسی برابر به منابع و تسهیلات بانکی داشته باشند و تفاوتی در دسترسی به منابع وجود نداشته باشد.

۴. اصل بهبود و افزایش تولید ملی و اشتغال

یکی از موارد مهمی که در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی آمده است، «تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات، منابع مالی، سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی» است. مطالعات نشان می‌دهند که راه‌حل اصولی رفع فقر، ایجاد اشتغال و درآمد است؛ بنابراین یکی از اصول و معیارهای تخصیص منابع در بانک‌های اسلامی بایستی میزان ایجاد اشتغال طرح در مقایسه با طرح‌های مشابه و رقیب باشد، سیاست‌گذاران نظام بانکی بایستی به گونه‌ای سیاست‌گذاری کنند تا از میان تقاضاهای گوناگون، با رعایت اصول گذشته، آنکه اشتغال بیشتری به همراه دارد انتخاب شود.

الزامات عدالت و اصلاح بانکی بر اساس سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

با عنایت به اینکه مهم‌ترین وظیفه دولت اسلامی اجرای عدالت در جامعه است و مکانیسم بازار بر خلاف تصورات اقتصاددانان کلاسیک، نه تنها نمی‌تواند عدالت را در جامعه ایجاد کند، گاه نمی‌تواند رشد اقتصادی به ارمغان آورد (میرمعزی، ۱۳۸۴)؛ اگر بانک‌ها وام‌های مصرفی زیادی پردازند، این امر باعث افزایش تقاضا در اقتصاد می‌شود و به دلیل کمبود تأمین مالی بخش تولید، علاوه بر ایجاد تورم در کشور، مانع رشد اقتصادی می‌گردد؛ همچنین در صورتی که، منابع بانکی به سمت فعالیت‌های سفته‌بازی ناسالم در بازار دارایی‌هایی مانند زمین، ارز و طلا سوق پیدا کند (Abou-Zeinab Ali, 2013).

بنابراین مکانیسم بازار همیشه نمی‌تواند نتیجه و وسیله مناسبی برای غلبه بر بحران‌ها باشد و ساماندهی و جهت‌دهی منابع به سمت فعالیت‌های کارا یکی از وظایف مهم و اساسی دولت اسلامی به شمار می‌رود که زمینه‌ساز ظهور و بروز تحقق رشد عدالت محور در جامعه است. در این قسمت از تحقیق، کلیه اقدامات مرتبط با سه حوزه احصاء می‌گردد و سپس هر یک از اقدامات با عنایت به نظر نخبگان مورد نقد قرار می‌گیرد. اقدامات صورت گرفته توسط دولت‌های مختلف عبارت است از:

۱. گسترش شعب بانک‌ها در مناطق روستایی و محروم

یکی از سیاست‌هایی که در کشورهای مختلف به منظور توسعه عدالت و استفاده از ظرفیت‌های مناطق محروم صورت می‌گیرد، توسعه شعب در قسمت‌های محروم آن مناطق است. یکی از کشورهایی که این سیاست را اجرایی کرده است، کشور هندوستان است. در این کشور بانک‌های مختلف به اختصاص بخشی از سرمایه‌های خود به افراد، فعالیت و مکان‌هایی است که بتواند به بهبود وضعیت فقرا منجر شود، ملزم شدند. کشور هندوستان برنامه‌ریزی خود را به منظور توسعه عادلانه در سال ۱۹۷۰ شروع نمود. در اولین قدم، قانونی تصویب کرد که بانک‌ها به منظور تأسیس یک شعبه جدید در شهر می‌بایست سه شعبه در قسمت روستایی ایجاد نمایند. بانک مرکزی این نسبت را در سال ۱۹۷۷ به چهار رساند. در بین سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۰ شعبه‌های بانک‌ها در روستاها افزایش پیدا نمود؛

ولی این سیاست باعث افزایش توان تأمین مالی روستاها نگردید و بعد از سال ۱۹۹۰ شعبه‌هایی که در روستاها ایجاد شده بود به شعبه‌های خالی مبدل گشتند (Burgess, Pande, Wong, 2004)؛ به عبارت دیگر، مقدار اسمی شعب در روستاها افزایش پیدا کرد ولی تسهیلات به بخش روستایی تغییر چندانی پیدا نکرد. طبق آمار تعداد شعب در سال ۱۹۶۹ تنها ۱۴۳۰ عدد بود و در سال ۱۹۹۰ این عدد به ۳۵۰۰۰ شعبه رسید.

۲. بهبود و گسترش فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و گسترش فین‌تک‌ها

تکنولوژی شبکه‌ای باعث می‌شود که تقاضا و عرضه‌کنندگان وجوه با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. این سرویس‌های اطلاعاتی باعث می‌شود طرف‌های دعوی و کل ذینفعان، به اطلاعات دسترسی کامل داشته و ارائه‌دهنده تسهیلات نیز می‌تواند از درخواست کلیه شرکت‌ها اطلاعات مناسبی داشته باشد. این تکنولوژی می‌تواند با استفاده از دیتاهای بزرگ، اطلاعات مناسبی نسبت به سوابق افراد در اختیار تأمین مالی کنندگان قرار دهد و باعث شود منابع بانکی به افرادی که اصل ارزش افزوده را رعایت می‌کنند و بیشتر مستحق هستند، پرداخت گردد (Reiling, 2010).

۳. کاهش تصدی‌گری نهادهای دولتی و شبه‌دولتی بر نهاد مالی

یکی از مواردی که باعث بروز ناعدالتی اقتصادی می‌شود، تصدی‌گری دولت و مؤسسات نیمه‌دولتی بر بانک‌هاست. مقالات مختلف به بیان اثرات نامطلوب این تصدی اشاره کرده‌اند (Gonzalez_Garcia and Grigoli, 2013/La porta, Lopez-de-silanes, shleifer, 2002). تصدی‌گری نهادهای شبه‌دولتی، باعث کاهش کارایی و شفافیت در کل اقتصاد می‌شود. این مؤسسات عموماً به دلیل حاکمیت شرکتی خاص، اولویت تخصیص منابع را به شرکت‌های زیرمجموعه خود می‌دهند، مابقی مؤسسات از منابع بانک بی‌بهره می‌مانند. این امر ناکارایی را در مؤسسات زیرمجموعه بیشتر می‌نماید و این امر اثر تخریبی بر اقتصاد دارد؛ چراکه انگیزه افراد برای بهبود عملکرد، کمتر از بانک‌های خصوصی است. در اثر کم‌کاری این بانک‌ها، مسئولیت عملکرد بد این بانک‌ها به صورت غیرمستقیم، به عهده دولت است و دولت با ایجاد رانت برای جبران این کاستی‌ها، شاخص کلان اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Andrei Vernikov, 2010).

۴. پرداخت یارانه بر روی نرخ بازپرداخت افراد فقیر

یکی از سیاست‌هایی که در کشورهای مختلف برای اجرای عدالت، عملی شده است، تخصیص یارانه با نرخ سود پایین‌تر از نرخ سود بازار است. این امر در کشورهای مختلف به صورت پرداخت مستقیم به صنایع مدنظر و یا اعطای یارانه به وام‌ها تعلق می‌گیرد. این امر در کشورهای مختلف اجرایی شده و نتایج آن بر عدالت تخصیصی، تأثیر بلندمدت و شگرفی نداشته است (Burgess, Pande & Wong, 2004). بررسی و مطالعات متعدد نشان می‌دهد، اعطای یارانه دولتی به صنعت خاصی باعث بروز ناکارایی در تخصیص منابع شده و باعث شده تا منابع به صورت مناسب به افراد تخصیص داده نشود و مطالبات معوق افزایش پیدا نماید (Calomiris and Himmelberg, 1994).

۵. تعیین درصد ثابت برای تخصیص منابع به قسمت‌های خاص

دومین سیاست تعیین درصد خاص و ابلاغ آن به بانک‌ها برای رعایت، توسط این بانک‌هاست. این سیاست در کشورهای مختلف من جمله ایران، هندوستان و بسیاری از کشورها اجرا شده است؛ اما بررسی انجام‌شده در رابطه با این سیاست نشان می‌دهد که دخالت دولت در تخصیص منابع به بخش خاص، باعث بروز ناکارایی در تخصیص منابع می‌گردد و باعث می‌شود میزان وام‌دهی بانک‌ها کاهش یابد و معوقات وام افزایش پیدا کند (Calomiris and Himmelberg, 1994). دولت هندوستان تمرکز روی صنایعی مانند کشاورزی و کسب‌وکار را در دستور کار خود قرار داد. سال ۱۹۷۵ دولت هندوستان هدف‌گذاری نمود که سال ۱۹۷۹ چهل درصد منابع مالی به سمت این صنایع رهسپار شود. این سیاست باعث شده تا در سال ۱۹۷۹، حدود شانزده درصد منابع به سمت بخش کشاورزی و ده درصد به بقیه بخش‌های حائز اولویت، رهسپار شود این سیاست باعث شد تا در سال ۱۹۸۷، چهل درصد منابع به سمت این صنایع رهسپار گردد؛ اما این سیاست در این کشور نتوانست پایدار باشد و بعد از سال ۱۹۹۰ با تغییر سیاست بانک مرکزی و تمرکز روی سود محوری بانک‌ها باعث شد تا سهم این بخش‌ها در سال ۱۹۹۷ از تسهیلات کاهش پیدا کند (Burgess, Pande & Wong, 2004).

۶. کمک به شکل‌گیری گروه‌های کسب‌وکار

یکی از مشکلاتی که باعث می‌گردد تا منابع بانک‌ها در افراد خاصی منحصر گردد، مشکل وثیقه است. یکی از راه‌حل‌هایی که در برخی از کشورها نظیر بنگلادش به منظور حل مشکل وثیقه و تسهیل تأمین مالی برای فقیران صورت گرفت، ایجاد گروه‌های تجاری به منظور اخذ تسهیلات از بانک است. در این روش، اعضایی که درخواست وام از بانک دارند، به چند گروه مختلف که معمولاً دارای رابطه اجتماعی مناسبی هستند، تقسیم می‌شوند. بانک تسهیلات کوچک با بازپرداخت کوتاه به این افراد عرضه می‌نماید و شرط ادامه‌دار بودن اعطای تسهیلات توسط بانک به این افراد آن است که کل افراد نسبت به تسویه با بانک اقدام کنند، اگر برخی از افراد در بازپرداخت وام‌ها کوتاهی کنند بانک کل گروه را از ادامه تسهیلات محروم می‌نماید. لازم به ذکر است بانک در این روش بالأخص در مراحل اولیه به منظور شناخت افراد دارای اعتبار از افرادی که اعتبار مناسبی ندارند، وام‌هایی با رقم‌های محدود و در بازه زمانی کوتاه به تسهیلات گیرندگان اعطاء می‌نماید.

از مزیت‌های مدل این است که نظام بانکی می‌تواند افرادی که دارای ریسک و هزینه بالا هستند نسبت به افراد با ریسک پایین به راحتی و با هزینه پایین شناسایی نماید؛ زیرا معمولاً افراد پر ریسک پرداخت‌های مناسبی در گروه انجام نمی‌دهند و بانک می‌تواند در صورت لزوم و ادامه‌دار بودن تأخیر پرداخت‌ها و یا عدم تمایل به بازپرداخت وام، این افراد را از گروه اخراج نماید. با استفاده از این روش، کارایی بانک بیشتر می‌شود و می‌تواند نرخ سود بانکی را کاهش دهد و در نتیجه هزینه تأمین مالی این گروه با هزینه پایین‌تر صورت گیرد (Abdul Rahim & Abdul Rahman, 2007).

دومین مزیت این سیاست، افزایش سرمایه اجتماعی است. از آنجاکه سرنوشت افراد گروه به یکدیگر بستگی دارد، برای سرنوشت گروه احترام قائل می‌شوند و همین امر باعث افزایش روابط اجتماعی و سرمایه اجتماعی در جامعه می‌گردد.

سومین مزیت این سیاست، کاهش مخاطرات اخلاقی است. دلیل اصلی بروز این مخاطره آن است که بنگاه‌ها اطلاع صحیحی درباره پروژه خویش، به بانک ارائه نمی‌دهند و همین امر باعث بروز مشکلات مختلفی برای بانک و افزایش هزینه آن می‌شود. در این طرح به دلیل آنکه افراد دوست دارند همیشه از بانک تسهیلات بگیرند و از تحریم گروهی

ترس دارند، یکدیگر را به خوبی رصد می‌نمایند و در صورتی که همسایه خود در صناعی که در آن مزیت رقابتی ندارد و احتمال شکست در آن فراوان است، سرمایه‌گذاری می‌نماید، به بانک و آن فرد تذکرات لازم را می‌دهند. رصد متقابل فعالان صنایع از یکدیگر باعث می‌شود تا صاحبان صنایع نتوانند بازدهی خود را کمتر از واقع نشان دهند و نتوانند به بهانه بازدهی پایین سود تسهیلات بانک را پرداخت نمایند (De aghion and Murdoch, 2005).

۷. حمایت از صندوق ضمانت از کسب‌وکارهای کوچک

یکی از سیاست‌های حمایتی، حمایت از مؤسسات مالی واسطه‌ای است که قصد حمایت از گروه هدف را دارند. دولت در این مکانیسم از طریق این شرکت نا اطمینانی اعطای تسهیلات به گروه هدف را از طریق فراهم آوردن ضمانت‌های لازم کاهش می‌دهد. این تضمین در مراتب مختلف صورت می‌گیرد و ممکن است شرکت اصل وام و یا اصل وام به‌علاوه سود را ضمانت نماید (Haynes, 1996).

به عنوان مثال، دولت ایالات متحده آمریکا از موسسه SBA که از کسب‌وکارهای کوچک حمایت می‌کند، حمایت نمود تا این شرکت از طریق تضمین تسهیلات بانک‌ها، تخصیص اعتبار به کسب‌وکارهای کوچک را تسهیل نماید (Wenli Li, 1998). دولت آمریکا از سه طریق اختصاص مستقیم وام به واحدهای تولیدی مورد نظر، تضمین بازپرداخت وام‌ها و یا پرداخت یارانه به تسهیلات، در نظر داشته تا این وجوه را به سمت سیاست‌های کلان خود هدایت نماید (Wenli li, 1998).

۸. ارتقاء استقلال بانک مرکزی

یکی از مواردی که تأثیر بر عدالت اقتصادی دارد و در ادبیات اقتصادی، مقالات متعددی راجع به این تأثیر نگارش شده، استقلال بانک مرکزیست. در صورت استقلال بانک مرکزی، دولت از بانک مرکزی و بانک‌ها به عنوان ابزاری برای تأمین مالی دولت یا نهادهای عمومی استفاده نمی‌کند، عرضه و تقاضای وجوه با ثبات بیشتری کار می‌کند و تغییر آن باعث برهم خوردن قیمت بازار و یا بروز تورم نمی‌شود. استقلال بانک مرکزی از طریق کاهش نرخ تورم، افزایش ثبات اقتصادی و ... به صورت غیرمستقیم، بر عدالت تخصیصی تأثیر می‌گذارد (Lasse Andre Raa, 2017).

۹. حمایت از صندوق‌های خطرپذیر

یکی از مشکلاتی که برخی از شرکت‌ها مخصوصاً شرکت‌های دانش‌بنیان با آن درگیر هستند، مشکل ضمانت‌نامه‌های بانکی و ارزش‌گذاری دارایی‌های آنهاست و این، باعث عدم استفاده شرکت‌ها از تسهیلات می‌شود. حمایت از ایجاد این صندوق‌ها، کمک می‌کند که شرکت‌های دانش‌بنیان بتوانند از تسهیلات لازم در بانک استفاده نمایند و منابع، عادلانه تخصیص یابد. برای حل این مشکل، با عنایت به کاهش ریسک صندوق‌های خطرپذیر، وجود این صندوق‌ها می‌تواند به افرادی که این موانع را دارند نیز تسهیلات اعطاء نماید؛ فلذا حمایت از این صندوق‌ها، باعث نزدیک شدن بانک به عدالت تخصیصی خواهد شد.

۱۰. ایجاد و حمایت از بانک‌های تخصصی

بانک‌های تخصصی توجه زیادی به سودآوری دارند و تمرکز خود را بر سودآوری پروژه‌ها و نه ضمانت‌ها می‌توانند قرار دهند و با اعتماد به این پروژه‌ها، ریسک تأمین مالی را پوشش دهند (FDIC, 2012)؛ همچنین این بانک‌ها می‌توانند امکان تأمین مالی گروه‌های تخصصی را فراهم آورند. تجربه کشورهای مختلف نظیر آمریکا نشان می‌دهد که این بانک‌ها می‌توانند نقش مؤثر و مهمی در تأمین مالی خرد ایفا نمایند. این بانک‌ها هم‌اکنون نقش مؤثری در تأمین مالی بنگاه‌های خرد ایفا می‌کنند و ۴۶ درصد وام‌های کوچک از طریق این بانک‌ها تخصیص می‌یابد (همان). تجربه کشور آمریکا نشان می‌دهد، بانک‌های قوی و بزرگ نقش مهم‌تر و اثرگذارتری نسبت به بانک‌های کوچک ایفا نموده‌اند (Kelly, Khayum, Price, 2013). بر اساس مطالعات موسسه سرمایه‌گذاری بیمه مرکزی به دلیل اینکه این بانک‌ها در بازار خاص و مشخصی فعالیت می‌نمایند؛ از اطلاعات تخصصی بازار اطلاع دقیق و کافی دارند، پس بر اساس سود بلندمدت موجود در صنعت به سرمایه‌گذاری اقدام می‌نمایند و کمتر به سودهای زودگذر و موقتی توجه می‌نمایند (Kelly, Khayum, Price, 2013). این بانک‌ها در کشور آمریکا ۶۵ درصد وام‌های کشاورزی، ۳۵ درصد وام‌های تجاری را پرداخت می‌کنند.

تحلیل و بررسی الزامات تخصیص عدالت محور

در این بخش، به منظور شناسایی عوامل مؤثر بر تخصیص عادلانه منابع در نظام بانکی از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. با عنایت به روش تحقیق، کلیه ویژگی‌های ذکر شده کدگذاری شدند و با استفاده از روش تحلیل محتوا، عوامل مؤثری که بانکداری اخلاقی را به خوبی توصیف می‌کردند، در جدول ۱ کدگذاری و مستندات، تجزیه شدند تا تحلیل آنها راحت‌تر صورت گیرد. در این جدول از طریق کدگذاری*، تحلیل کلی و تحلیل محتوای کیفی صورت گرفته است. پس از تحلیل اولیه بر روی نتایج به دست آمده از اسناد، بر اساس گزاره‌های مطرح شده به یک مفهوم واحد اشاره شده است. در این تحقیق، کد اولیه‌ای به صورت کدگذاری باز تعلق گرفت به هرچند گزاره موجود در اسناد کدگذاری شده به صورت کدگذاری باز نیز یک مفهوم واحد با عنوان کدگذاری محوری تعلق گرفت که در جدول جداگانه‌ای میزان فراوانی این مفاهیم محوری از داده‌های به دست آمده، بیان شده است. جهت تحلیل محتوا از ادبیات کلی تحقیق استفاده شد. بر اساس کدگذاری‌های باز در قسمت بالا، کدگذاری‌های محوری در جدول زیر ارائه شده است.

۷۷

فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی / مقاله علمی پژوهشی / الزامات تخصیص عادلانه منابع در نظام بانکی ...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

*. کدگذاری عبارت است از عملیاتی که طی آن داده‌ها تجزیه، مفهوم‌سازی و به شکل جدیدی در کنار هم قرار داده می‌شوند. (فائدی و گلشنی، ۱۳۹۵).

جدول ۱: کدگذاری‌های محوری مفاهیم

مفاهیم کدگذاری محوری	مفاهیم کدگذاری باز استخراج شده	کد
اصلاح حاکمیت شرکتهای بانکی	ایجاد و حمایت از بانکهای تخصصی	۱۰
	کاهش تصدیگری نهادهای دولتی و شبهدولتی بر نهادهای مالی	۳
ایجاد و حمایت از نهادهای معین توسعه محصولات دانش بنیان	ایجاد و حمایت از صندوقهای خطرپذیر	۹
	شکلگیری اعتبارسنجی بر اساس دادههای بزرگ	۳
تغییر در ساختار اجرایی سیاستگذار و قانونگذاران کلان	ارتقاء استقلال بانک مرکزی	۸
	گسترش منطقی شعب در مناطق محروم	۱
	عدم وضع تکلیفی برای سپردهها توسط دولت	۵
	شفافسازی قیمت تسهیلات و عدم اعطای یارانه تکلیفی به تسهیلات	۴
توسعه بستر دسترسی شفاف به اطلاعات	استفاده از فنآوری اطلاعات برای تخصیص منابع	۲
	توسعه ضمانتنامه بر اموال غیرمنقول به بررسی عملکرد شرکتهای و استفاده از قانون دادههای بزرگ	۳
توسعه تأمین مالی خرد، کمک به هویت بخشی و توسعه ضمانتنامه مبتنی بر اعتماد	کمک به شکلگیری گروههای کسبوکار	۶
	ایجاد و حمایت از صندوق ضمانت از کسبوکارهای کوچک	۷

آسیبشناسی توزیع عادلانه منابع در نظام بانکی ایران

با عنایت به سیاستهای اقتصاد مقاومتی و سخنان مقام معظم رهبری، اصول و الزامات کلانی که در قسمت‌های قبل بیان شد، بررسی وضع موجود را امری ضروری می‌نماید. به منظور بررسی وضعیت موجود از دو روش کلی استفاده شده است: ۱. بررسی آماری تخصیص منابع در نظام بانکی ایران و ۲. بررسی وضعیت موجود در هر یک از شاخص‌های استخراج شده. در این قسمت سعی می‌شود وضعیت موجود تخصیص منابع از منظر آمار و ارقام مورد بررسی قرار گیرد. لازم به ذکر است با عنایت به محدودیت آمار

در زمینه شاخص‌های ذکر شده، تنها مواردی به عنوان آسیب‌شناسی ذکر شده است که مقالات متعدد بر وجود مشکل صحنه گذاشته‌اند و یا آمار سری زمانی آن توسط مؤسسات معتبر مانند بانک جهانی و بانک مرکزی منتشر شده باشد. مشکلات و آسیب‌ها عبارت است از:

۱. بررسی پراکندگی منابع و تمرکز آن در مناطق خاص

جاذبه‌های سیاسی و اجتماعی پایتخت و مراکز برخی استان‌های کشور از یک سو و وجود زیرساخت‌های لازم برای فعالیت‌های اقتصادی از سوی دیگر همیشه یک تصویر سودآوری بالا را برای این مراکز رقم می‌زند؛ در نتیجه منابع بانکی به صورت طبیعی به سمت این مراکز سوق پیدا می‌کند، به گونه‌ای که حتی ممکن است پس‌اندازهای مناطق مختلف کشور را نیز به این سمت هدایت کند. طبق گزارش بانک مرکزی در سال‌های ۹۰ تا ۹۷، حدود ۶۰ درصد تسهیلات نظام بانکی به تهران اختصاص پیدا نمود* و ۱۵ درصد دیگر منابع کشور به پنج شهر صنعتی بزرگ ایران اختصاص پیدا کرده است. در سال ۱۳۹۷ نیز ۶۵/۴ درصد از تسهیلات به تهران و ۱۴ درصد به پنج شهر صنعتی بزرگ اختصاص پیدا کرده است (تحلیل محقق از گزارش بانک مرکزی). روشن است که ادامه این وضعیت افزون بر پدید آوردن انواع مشکلات اجتماعی و اقتصادی، موجب بی‌عدالتی در توزیع منابع شده و شکاف سرمایه‌گذاری، اشتغال، رشد و درآمد را در بین مناطق کشوری بیشتر می‌کند.

۲. تمرکز منابع بانکی در بخش‌های خاص اقتصادی

به طور معمول در اقتصادهای در حال توسعه، تفاوت‌های معناداری از جهت معیارهای اصلی سرمایه‌گذاری، چون ریسک و بازدهی بین بخش‌های مختلف اقتصادی وجود دارد، درحالی‌که سودآوری در بخش‌های تولیدی نیازمند سرمایه‌گذاری بلندمدت و همراه با انواع ریسک است، بخش‌های تجاری و خدماتی با کمترین ریسک و در کوتاه‌مدت پاسخ می‌دهند. اگر سیاست‌گذاری اصولی نباشد، به طور طبیعی منابع نظام بانکی به سمت

*. البته یکی از علل مهم بالا بودن رقم تسهیلات و سپرده‌ها در استان تهران استقرار دفاتر مرکزی بسیاری از شرکت‌ها و مؤسسات تولیدی سایر استان‌ها در استان تهران است.

فعالیت‌های تجاری و خدماتی سوق پیدا کرده و بخش‌های تولیدی اقتصاد که معمولاً بخش اشتغال‌زا و مولد ثروت و درآمد است، محروم می‌ماند.

آمار تسهیلات پرداختی بانک‌ها نشان می‌دهد، در سال ۱۳۵۹ تنها حدود بیست درصد از منابع به بخش تجارت اختصاص داشت؛ این در حالی است که این رقم با رشد فراوان در طی سال‌های مختلف، در سال ۱۳۹۷ به حدود ۴۹ درصد از کل تسهیلات رسیده است.

جدول ۲: تسهیلات پرداختی بانک‌ها

سال / صنعت	۱۳۵۷	۱۳۶۷	۱۳۷۷	۱۳۸۷	۱۳۹۱	۱۳۹۷
بازرگانی	۳۳	۱۰	۱۶	۳۴,۴	۲۹,۵	۴۸,۶
کشاورزی	۱۰	۱۶	۱۹	۱۴,۲	۱۲,۳	۸,۸
صنعت و معدن	۲۶	۱۹	۳۰	۲۶,۵	۲۱,۵	۱۸,۵
ساختمان و مسکن	۲۵	۳۹	۳۰	۲۲,۹	۳۶,۵	۲۳,۵

مأخذ: محاسبات نگارنده بر اساس اطلاعات بانک مرکزی و نماگرهای مالی اقتصادی وزارت اقتصاد.

همچنین آمارها نشان می‌دهند در سال ۱۳۷۸ حدود ۲۰ درصد از تسهیلات به بخش کشاورزی اختصاص دارد؛ این در حالی است که در سال ۱۳۹۵ تنها ۸,۸ درصد از منابع به بخش کشاورزی اختصاص پیدا کرده است. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد حدود ۲۵ درصد از تسهیلات به بخش صنعت اختصاص پیدا کرده است و این سهم در طی ۲۵ سال اخیر تقریباً ثابت بوده و تنها در سال ۹۲ الی ۹۶ کاهش پیدا کرده است. بخش اعظم تسهیلات به بخش بازرگانی اختصاص پیدا کرده؛ این در حالی است که تسهیلات اعطایی به بخش بازرگانی مانند کشورهای صنعتی و پسا صنعتی به بخش‌های خدماتی نوین و بخش‌های مالی جدید نیست و اکثراً به بخش‌های واردات اختصاص پیدا می‌نماید.

۳. تمرکز منابع بانکی در اشخاص و گروه‌های درآمدی خاص

اصل اول اعطای تسهیلات اقتضا دارد که بانک اطمینان کافی از بازگشت اصل و سود داشته باشد. لازمه طبیعی رعایت چنین اصلی، آن است که بانک افزون بر اطمینان از توجیه فنی و اقتصادی پروژه، وثایق و ضمانت‌نامه‌های لازم را از متقاضی تسهیلات، دریافت نماید. در نتیجه اشخاص و گروه‌هایی که توان ارائه وثایق و ضمانت‌های معتبر بر اساس شاخص‌های بانک دارند، مقدم می‌شوند. نتیجه طبیعی چنین وضعیتی، محرومیت همیشگی گروه‌های

درآمدی پایین از منابع بانک خواهد بود. امروزه مشکلات و موانع تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی خرد یکی از چالش‌های جدی نظام‌های بانکی آرمان‌گراست.*

جمع‌بندی نقاط ضعف و راهکار تخصیص عادلانه منابع

در این قسمت به منظور ارتقاء دید خوانندگان به نقاط ضعف و راهکارهای تخصیص عادلانه منابع، نقاط ضعف و راهکارها در جدولی نشان داده شده است:

۸۱

جدول ۳: نقاط ضعف و راهکارهای تخصیص عادلانه منابع بانکی

ردیف	ضعف‌ها	راهکار
۱	ضعف نظام بانکی به عنوان واسطه‌گر مالی و تبدیل شدن به تأمین‌کننده مالکانه	کاهش تصدی‌گری نهادهای دولتی و شبه‌دولتی بر نهادهای مالی
۲	ضعف سیاست‌گذاری و حوزه دسترسی مالی	گسترش شعب بانک در مناطق روستایی و محروم
۳	ضعف بهره‌گیری از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در تخصیص منابع	بهبود و گسترش فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و گسترش فین‌تک‌ها
۴	ضعف سیاست‌گذاری برای افراد فقیر	تعیین درصد برای برخی صنایع کاربر محور
		شفاف‌سازی قیمت تسهیلات و عدم اعطای یارانه تکلیفی به تسهیلات
۵	تمرکز بر روی تأمین منابع مالی فردی و منفرد به جای تأمین مالی زنجیره‌ای و گروه کسب‌وکار	کمک به شکل‌گیری گروه‌های کسب‌وکار
۶	عدم تقویت و روشن بودن جایگاه صندوق ضمانت در سیاست‌گذاری‌های اعتباری کسب‌وکار کوچک و دانش‌بنیان	حمایت از صندوق ضمانت کسب‌وکارهای کوچک
۷	سلطه مالی دولت و ضعف عملکرد بانک مرکزی	کاهش تصدی‌گری نهادهای دولتی بر نهادهای مالی
۸	عدم تعریف روش‌های نوین تأمین مالی طرح‌های مخاطره‌ای	حمایت از صندوق خطرپذیر
۹	عدم تفکیک بانک‌های تخصصی، توسعه‌ای و تجاری	ایجاد و حمایت از بانک‌های تخصصی

فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی / مقاله علمی پژوهشی / الزامات تخصیص عادلانه منابع در نظام بانکی ...

*. برای مطالعه بیشتر رک به: De, Soto, 1999 و Payne, 2001.

بررسی وضع موجود و اولویت اقدامات تخصیص عادلانه منابع از منظر نخبگان

در این بخش از پژوهش، به جهت نظرسنجی، از نمونه آماری و جمع‌آوری داده، از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. در این تحقیق، عوامل مختلف که مؤثر بر عدالت بود به نخبگان عرضه گردید و آنها به تأثیر کم یا زیاد آن بر اساس طیف ۵ تایی لیکرت، نمره دادند؛ همچنین از نخبگان درباره وضعیت موجود هر یک از شاخص‌ها سؤال شده است.

خبیروانی که از آنها سؤال شده است عبارت است از:

۱. حداقل ۷ سال فعالیت در حوزه بانکداری؛
 ۲. حداقل مدرک کارشناسی در حوزه اقتصاد، حسابداری و مباحث مالی و بانکداری؛
 ۳. وجود یک سمت مدیریتی یا سرپرستی در سوابق فعالیت.
- بر اساس شروط فوق، تعداد نخبگان این تحقیق، بالغ بر ۲۵ نفر گردیدند. به جهت تعیین روایی پرسشنامه مورد استفاده در تحقیق، با توجه به اینکه تمامی عوامل مورد بررسی از پیشینه و ادبیات تحقیق استخراج شده‌اند؛ بنابراین پرسشنامه دارای ویژگی روایی است. در خصوص پایایی، آلفای کرونباخ یکی از معروف‌ترین معیارهای سنجش پایاییست که به صورت فرمول ۱ تعریف می‌شود:

$$\alpha = \frac{K}{K-1} \left(1 - \frac{\sum S_i^2}{S_{sum}^2} \right)$$

فرمول ۱: آلفای کرونباخ

که در آن S_i انحراف معیار سؤال i ام، S_{sum}^2 انحراف معیار مجموع سؤال‌ها و K تعداد سؤال‌های پرسشنامه است. هرچه مقدار آلفا نزدیک یک باشد، نشان دهنده میزان پایایی بالاست. میزان قابل قبول این پارامتر، ۰/۷ به بالاست (سرمد و همکاران، ۱۳۸۸).

با توجه به اینکه مقدار آلفای کرونباخ در این پرسشنامه برابر ۰/۸۴۱ است، بنابراین خاصیت پایایی را نیز داراست.

جدول ۴: پایایی پرسشنامه

Cronbach's Alpha	N of Items
.841	12

جدول ۵: طیف ۵ تایی لیکرت مورد استفاده در پرسشنامه

عبارت	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
مقدار	۵	۴	۳	۲	۱

تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به اینکه تعداد نمونه آماری از آزمون دوجمله‌ای که آزمون ناپارامتریک است، استفاده شده است.

$$\begin{cases} H_0: P = 0.6 \\ H_1: P \neq 0.6 \end{cases}$$

فرمول ۲: آزمون فرض آماری

با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲، تحلیل‌های آماری انجام گرفته که در ادامه نمایش داده شده است. لازم به ذکر است که جدول ۳ به آمار توصیفی در مورد متغیرها و جدول ۴ در مورد آمار استنباطی و تحلیل تأثیرها می‌پردازد.

بر اساس تحلیل‌های آماری مبتنی بر داده‌های پرسشنامه که میان نخبگان توزیع شد، فرضیه صفر آزمون دوجمله‌ای رد شد، از جانب دیگر به این علت که بیش از ۱۰ نفر از نخبگان نظر به تأثیر راهکار مورد بررسی داشتند و این وضعیت برای تمامی موارد برقرار بود، تمام ۱۲ راهکار به منظور تخصیص عادلانه منابع در نظام بانکی تأثیرگذار تشخیص داده شدند. به جهت اولویت‌بندی راهکارها از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، از آزمون فریدمن استفاده می‌شود.

آزمون فریدمن، یک آزمون ناپارامتری است که به جهت اولویت‌بندی تعدادی معیار بر اساس میانگین رتبه‌ای، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در قدم ابتدایی، اگر مقدار سطح معنی‌داری کمتر از میزان خطا باشد به مفهوم رتبه و اولویت است (آذر و مؤمنی، ۱۳۹۳). خروجی SPSS در آزمون فریدمن به صورت جداول زیر است:

جدول ۶: نتایج آزمون فریدمن در مورد اولویت‌بندی موارد

آماره محاسبه شده (χ ^۲)	درجه آزادی	سطح معنی داری	میزان خطا
۱۰۹،۴۵	۱۱	۰/۰۰۰	۰/۰۵

جدول ۷: رتبه‌بندی اولویت‌های تخصیص عادلانه منابع در نظام بانکی

رتبه	میانگین رتبه‌ای	عنوان سؤال	سؤال
۱	10.00	تقویت نظارت فنی و بهبود استقلال بانک مرکزی	۶
۲	8.30	بهبود و گسترش فن‌آوری اطلاعات و گسترش فن‌تک‌ها	۱۱
۳	8.25	کاهش تصدی‌گری نهادهای دولتی و غیردولتی بر بانک‌ها	۷
۴	8.08	حمایت از بانک‌های دارای صندوق‌های خطرپذیر و ریسک‌پذیر	۱۲
۵	7.48	حمایت از صندوق ضمانت ریسک و تضمین بازپرداخت	۱
۶	7.48	توسعه دامنه وثایق بانک از سندهای شهری به سندهای محلی	۵
۷	6.85	حمایت از ایجاد بانک‌های تخصصی	۹
۸	6.60	انتشار اوراق گواهی خاص پروژه‌های بلندمدت	۸
۹	4.85	پرداخت یارانه برای بررسی تخصصی تر طرح‌های اقتصادی	۴
۱۰	3.60	افزایش اختلاف میان سود سپرده کوتاه‌مدت و بلندمدت	۱۰
۱۱	3.28	پرداخت یارانه دولتی به وام‌هایی که به جامعه هدف داده می‌شود	۲
۱۲	3.25	توسعه شعب در مناطق محروم و روستایی کشور	۳

۸۴

فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی / مقاله علمی پژوهشی / موسویان، طالبی و عباسی

جمع‌بندی و ارائه راهکارها و پیشنهادها

در این پژوهش به دنبال تخصیص عادلانه منابع در نظام بانکی و تعیین اولویت‌هایی به منظور ارائه پیشنهاد برای اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بودیم. مطالعه نشان داد، مهم‌ترین راهکارها برای تخصیص عادلانه منابع به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: ۱. تقویت نظارت فنی و بهبود استقلال بانک مرکزی، ۲. بهبود و گسترش فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و

گسترش فین تک‌ها، ۳. کاهش تصدی‌گری نهادهای دولتی و شبه‌دولتی، ۴. حمایت از بانک‌هایی که به توسعه صندوق خطرپذیر کمک می‌کنند، ۵. توسعه وثیقه‌های مورد قبول بانک و قبول سندهای مبتنی بر اعتماد.

بر اساس نتایج تحقیق، یکی از مشکلاتی که باعث محروم ماندن عده‌ای از تسهیلات بانکی می‌شود، تخصیص سیاسی منابع برای طرح‌ها و پروژه‌های غیراقتصادی است. این نوع تخصیص از منظر بانکداری اسلامی مردود و غیرقابل‌پذیرش بوده و مخالف سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. دو پیشنهادی که توسط نخبگان مورد تأیید قرار گرفت و جزء اولویت اول و سوم قرار گرفت، تقویت نظارت فنی و تخصیص بانک مرکزی و کاهش تصدی‌گری شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی است. تقویت نظارت فنی و تخصیص بانک مرکزی از طریق افزایش استقلال این نهاد تخصصی، می‌تواند کمک می‌کند تا بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر بتواند نظر کارشناسی را نسبت به نظرات سیاسی اعمال نماید و از تخصیص سیاسی تخصیص منابع جلوگیری نماید؛ همچنین کاهش تصدی‌گری نهادهای دولتی و غیردولتی باعث عدم تمرکز منابع در شرکت‌ها و افراد خاص می‌گردد.

از مواردی که با عنایت به نظر نخبگان، جزء اولویت دوم قرار گرفت، بهبود و گسترش فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و گسترش فین تک‌هاست. استفاده از این تکنولوژی به شفافیت اطلاعاتی کمک می‌نماید و باعث می‌شود بانک بتواند کلیه افرادی که از دورترین نقطه درخواست تأمین مالی پروژه خود را دارند، شناسایی و نسبت به تأمین مالی آن اقدام نماید. همچنین ارزیابی اعتبار مشتری‌ها بر اساس گزارش حاصل از فن‌آوری اطلاعات و استفاده از دیتاهای بزرگ بسیار راحت میسر می‌گردد.

یکی دیگر از مشکلات، عدم تأمین مالی مناسب پروژه‌های دانش‌بنیان است. این پروژه‌ها عموماً سیکل تجاری بلند و عدم وجود مرکزی برای ارزش‌گذاری محصولات دانش‌بنیان، در اولویت بعدی تأمین مالی قرار گیرند و همین امر باعث عدم اجرای دقیق اقتصاد مقاومتی می‌شود که این امر باعث می‌شود تا پروژه‌های عظیم تولیدی که دارای طرح توجیهی مناسبی هستند، به‌خوبی تأمین مالی نشوند. راه‌حل این موضوع که مورد تأیید خبرگان نیز قرار گرفت، حمایت از بانک‌هایی است که دارای صندوق خطرپذیر هستند یا حمایت از بانک‌هایی است که حمایت ویژه از این صندوق‌ها می‌کنند.

همچنین با عنایت به اولویت‌بندی‌های صورت گرفته، یکی دیگر از مواردی که مطابق با نظر نخبگان جزء اولویت پنجم قرار گرفت و می‌تواند مشکل وثایق را تا حدودی مرتفع نماید، حمایت از شرکت‌ها و صندوق‌های واسطی است که ضمانت وام‌های گروه هدف را به عهده‌دارند. این شرکت‌ها از طریق ضمانت‌های ایجاد شده، باعث کاهش ریسک اعطای وام به گروه‌های هدف می‌گردد و از این طریق می‌توانند اعطای وام به این شرکت‌ها را تسهیل نمایند و می‌بایست در ایران یکی از اولویت‌های حمایت قرار گیرد. همچنین با عنایت به نظر خبرگان، توسعه وثایق و حمایت از بانک‌های تخصصی امر مهمی است که باید زیرساخت‌های اجرایی آنها مدون گردد.

با عنایت به نتایج حاصله، توسعه شعب در مناطق محروم و اعطای یارانه برای وام برخی از صنایع، جزء مواردی است که بر تخصیص عادلانه منابع تأثیری ندارد؛ اما متأسفانه مسئولین به آن توجه دارند و در این چند ساله در برخی از دوره‌ها در ایران اجرایی شده است که با عنایت به بررسی تجارب کشورهای دیگر و همچنین نظر نخبگان می‌بایست از دستور کار مسئولین به سرعت خارج شود.

منابع و مأخذ

* نهج البلاغه

۱. چپرا، محمدعمر؛ نحو نظام نقدی عادل؛ القاها: المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۱۴۰۱ق.
۲. حسینی، سیدرضا؛ «معیارهای عدالت اقتصادی از منظر اسلام (بررسی انتقادی نظریه شهید صدر)»؛ اقتصاد اسلامی، ش ۳۲، ۱۳۸۷.
۳. سبحانی، حسن و محمد امیرعلی؛ پژوهشی در استخراج معیارهای حق و عدل در بانکداری بدون ربا؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۵۵، ۱۳۹۳.
۴. طیبی، سید کمال و همکاران؛ «عوامل تعیین‌کننده نابرابری اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی با تأکید بر نقش اقتصاد اسلامی»؛ همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۷.
۵. عیوض‌لو، حسین؛ «اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۲۹، ۱۳۸۷.

۶. عیوض‌لو، حسین و مجید کریمی ریزی؛ «شناسایی و اندازه‌گیری شاخص عدالت و کارایی در نظام بانکی؛ مورد مطالعه: بانک توسعه صادرات ایران، استان اصفهان»؛ **مطالعات اقتصاد اسلامی**، ش ۱۵، ۱۳۹۴.
۷. قلیچ، وهاب؛ «شناسایی چارچوب عملیاتی بانک عدالت محور با استفاده از رویکرد اسلامی»؛ **مجله اقتصاد و بانکداری اسلامی**، س ۷، ش ۲۳، ۱۳۹۷.
۸. کهندل، محمد؛ «عدالت در بانکداری اسلامی»؛ **مجموعه مقالات همایش اسلام و توسعه اقتصادی**، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۴.
۹. مطهری، مرتضی؛ **جهان‌بینی توحیدی**؛ قم: انتشارات صدرا، ۱۳۶۹.
۱۰. _____؛ **عدل الهی**؛ چ ۴، تهران: صدرا، ۱۳۶۸.
۱۱. _____؛ **نظری به نظام اقتصادی اسلام**؛ تهران: صدرا، ۱۳۶۸.
۱۲. موسویان، سیدعباس؛ «طراحی مدل عملیاتی بانکداری اسلامی؛ سازگار با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»؛ **فصلنامه علوم انسانی اسلامی صدرا**، ش ۱۰، ۱۳۸۹.
۱۳. میرمعزی، سیدحسین؛ «الگوی ذخایر سپرده‌های بانکی در بانکداری اسلامی»؛ **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، ش ۱۷، ۱۳۸۴.
۱۴. میرمعزی، سیدحسین و جمعی از نویسندگان؛ **عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام**؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳.
۱۵. هاشمی، سید محمدتقی؛ «ارزیابی تحقق عدالت اقتصادی در الگوی بانکداری اسلامی با تأکید بر الگوی تفکیک و الگوی بانکداری تجاری»؛ قم: پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌المصطفی‌العالمیه، ۱۳۹۲.
16. Abdul Rahim Abdul Rahman.; “Islamic Microfinance: A Missing Component in Islamic Banking”; **Kyoto Bulletin of Islamic Area Studies**, vol.1-2, 2007.
17. Abou-Zeinab Ali.; “Patterns of Bank Credit Allocation and Economic Growth, The Case of Denmark 1736-2012”; **Land paper in Economic History**, V.131, 2013.

18. Ahmed, Z. Islam; "Poverty and Income Distribution"; **The Islamic Foundaiony leicester**, UK, 1991.
19. Burgess Robin & et al; "Banking for poor: Evidence from India"; **Journal of the European Economic Association**, V.3, 2004.
20. Farook, Syed, Lanis, Roman; "Banking on Islam? Determinants of Corporate Social Responsibility Disclosure"; **Proceedings of the Sixth International Conference on Islamic Economics**, Jakarta, Indonesia, 2005.
21. Hassan, M.K., Alamgir. D.; "Microfinancial Services and Poverty Alleviation in Bangladesh: A Comparative Analysis of Secular and Islamic NGOs. In M. Iqbal (ed.)"; **Islamic Economic Institutions and the Elimination of Poverty** (The Islamic Foundation, Leicester), 2002.
22. Haynes, George W.; "Credit Access for High-Risk Borrowers in Financially Concentrated Markets: Do SBA Loan Guarantees Help?"; **Small Business Economics**, vol.8, 1996.
23. Iqbal, M.; "Introduction in M. Iqbal (ed.) Islamic Economics Institutions and the Elimination of Poverty"; **The Islamic Foundation**, Leicester UK, 2002.
24. Kamla, Raina, Rammal, Hussain G.; "Socail Reporting in Islamic BankS: Does Socail Justice matter?"; **Accounting Auditig and Accountability Journal**, vol.26, 2012.
25. Kamla Rania, Rammal Hussain G.; "Social Reporting by Islamic Banks: Does Social Justice Matter?"; **Accounting, auditing and**

accountability journal, vol.26, 2013.

26. Kelly, Charles & et al.; “Equipment Lease Financing: The Role of Community Banks”; Romain College of Business University of Southern Indiana, 2013.
27. Khan, M. ay.; “Rural Development through Islamic Banks the Islamic Foundation”; Leicester, 1994.
28. Report on Sustainable and Responsible Investing Trends in the United States, (2012).
29. Richards, C.; “The kingdom of capital”; *New Internationalist*, NI 392, 2006.
30. Lasse Andre Raa.; “Distribution effect on central bank independence, A panel data analysis”; 2017.
31. Shin, D.; “Dual Sources of the South Korean Economic Crisis: Institutional and Organisational Failures and the Structural Transformation of the Economy. In F.J. Richter (Ed.)”; **The East Asian Development Model: Economic Growth, Institutional Failure and the Aftermath of the Crisis**, 2000.
32. Wenli Li.; “Government Loan, Guarantee, and Grant Programs: An Evaluation”; **FRB Richmond Economic Quarterly**, vol. 84, 1998.
33. Calomiris Charles W. & Charles P. Himmelberg; “Directed Credit Programs for Agriculture and Industry Arguments from Theory and Fact”, 1994.

34. La porta & et al.; “Government Ownership of Bank”; **The journal of finance**, VOL.LVII, 2002
35. Lasse André Raa.; “Distribution effects of central bank independence A panel data analysis of 134 countries between 1980 and 2012, Master’s thesis”; **Department of Comparative Politics University of Bergen**, 2017.
36. De Souza, F. A. M.; “Land tenure security and housing improvements in Recife Brazil”; **Habitat International**, Vol.23, 1999.
37. Payne, G.; “Urban land tenure policy options: Titles or rights?”; **Habitat International**, Vol.25, 2001.

